



## نقش فرهنگ در معماری منطقه‌ای: نظریه و عمل The role of culture in the regional architecture: Theory and practice

جعفر طاهری<sup>۱</sup>، مهسا اکبری شارک<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، j.taheri@um.ac.ir  
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه فردوسی مشهد، akbarisharak@mail.um.ac.ir

### چکیده

فرهنگ یکی از شاخص‌های اصلی منطقه‌گرایی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی کیفی نقش فرهنگ در رویکردهای نظری منطقه‌گرایی و بررسی آن در محیط‌های مسکونی ساخته‌شده مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در رویکردهای نظری به منطقه‌گرایی، نقش و کاربرد فرهنگ در معماری منطقه‌ای از سه وجه مادی، معنوی و تلفیق مادی-معنوی مورد اهتمام دانشوران بوده است. این رویکردها هر یک به نحوی شیوه زندگی و الگوهای رفتاری مردم را به‌عنوان یک اصل در معماری منطقه‌ای معرفی می‌کنند. در مقابل در عمل، با بررسی نمونه‌های موردی این نتیجه حاصل گردید که در صورت به‌کارگیری اصول نظری منطقه‌گرایی (شیوه زندگی و الگوهای رفتاری مردم)، در طراحی، (به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه) اغلب موجب رضایت‌مندی ساکنان از زندگی در مجموعه شده است. همچنین این امر موجب انطباق هرچه بیشتر طرح با نیازهای مردم منطقه و انعطاف بیشتر آن در آینده نیز می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ؛ محیط‌های مسکونی؛ معماری منطقه‌ای؛ منطقه‌گرایی؛



## ۱- مقدمه

منطقه‌گرایی برای اولین بار در پایان دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌عنوان رویکردی جایگزین برای طراحی پیشنهاد گردید [۱]. معماری در این رویکرد، با توجه به شاخص‌هایی از جمله اقلیم، جغرافیا، مصالح و سنت‌های فرهنگی تعریف می‌شود [۲]. منطقه‌گرایی، جهانی‌سازی، یکسان‌سازی و ساختارهای استاندارد شده که باعث کاهش تفاوت‌های بومی و محلی می‌شود را رد می‌کند و روش‌هایی برای زندگی با توجه به ویژگی‌های منطقه را پیشنهاد می‌دهد [۳]. به اعتقاد یوانا فریدمن<sup>۱</sup>، فرهنگ افراد اجتماع به‌عنوان یکی از وجوه اصلی منطقه‌گرایی همواره مورد توجه نظریه‌پردازان این حوزه بوده است [۴]. بنابراین منطقه‌گرایی در هسته اصلی خود، فرهنگ‌های بومی را در نظر می‌گیرد [۵]. این رویکرد، روش‌ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدید و در صورت نیاز بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی‌های فرهنگی منطقه را پیشنهاد می‌دهد [۳].

انسان‌شناسان بر این باورند که در تعریف انسان، فرهنگ باید در مرکز توجه قرار گیرد، مردم هر منطقه، از طریق فرهنگ بر طبیعت چیره گشته و معماری خود را شکل می‌دهند [۶]. در واقع مردم با به‌کارگیری فن‌آوری‌هایی برای استفاده از منابع موجود در طبیعت و محیط زیست منطقه خود، فرهنگ را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، محیط‌هایی که توسط فرهنگ پدید می‌آیند، بر اساس اصولی از قرارگاه‌ها برای مردمانی می‌باشند که آن‌ها را متناسب برای زندگی ویژه خود می‌دانند، و از این طریق است که مردم هر منطقه از مردم سایر مناطق متمایز می‌شوند [۷].

اساساً جوهره مشترک غالب رویکردهای منطقه‌گرایی بر رابطه فرهنگ مردم و مکان متکی است. مردم در جریان شکل‌دهی به تصویری که از خود و عالم دارند، معماری آن منطقه را شکل می‌دهند. می‌توان گفت الگوهای رفتاری مردم، ارزش‌های فرهنگی خاصی را منعکس می‌کند. به این ترتیب شکل‌گیری معماری هر منطقه بر اساس ارزش‌های فرهنگی مردم در تعامل با مکان می‌باشد. کنکاش در معماری سرزمین‌های مختلف نیز بر این نکته تأکید دارد که مردم هر سرزمین در ساخت آثار معماری خود در تلاشند تا در عین بهره‌گیری و پیوند میان مکان طبیعی و مصنوع، بتوانند از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه خود پیروی نمایند [۸]. در عمل نیز برخی نظریه‌پردازان معماری مسکن، خاستگاه‌های فرهنگی را عامل اصلی و مؤثر بر شکل‌گیری محیط‌های مسکونی و چگونگی روابط در آن معرفی نموده‌اند [۹]؛ [۱۰] و [۱۱].

تأکید بر شاخص فرهنگ در رویکردهای منطقه‌گرایی در بررسی محیط‌های مسکونی جایگاه ویژه‌ای دارد. منطقه‌گرایی در عرصه معماری، رویکردهای مختلفی دارد. در هر یک از این رویکردها، دیدگاه‌هایی راجع به شاخص‌های منطقه‌گرایی مطرح می‌گردد [۱۲]. انسان همواره به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه، تمایل به ساخت الگو و یک ساختار منظم دارد که در صورت ایجاد این ساختار، نظریه شکل می‌گیرد. یک نظریه قوی انسان را قادر به پیش‌بینی آینده می‌سازد؛ که خود منجر به ایجاد انطباق و انعطاف طرح با نیازهای مردم می‌شود. در طول تاریخ، درونمایه‌های مکرری را در زمینه معماری می‌توان دید که نیازمند راه‌حل‌های مفهومی و عینی‌اند. نظریه‌ها بر آن‌اند تا وجوه بررسی نشده یا مبهم حرفه‌ها را توضیح دهند [۱۳].

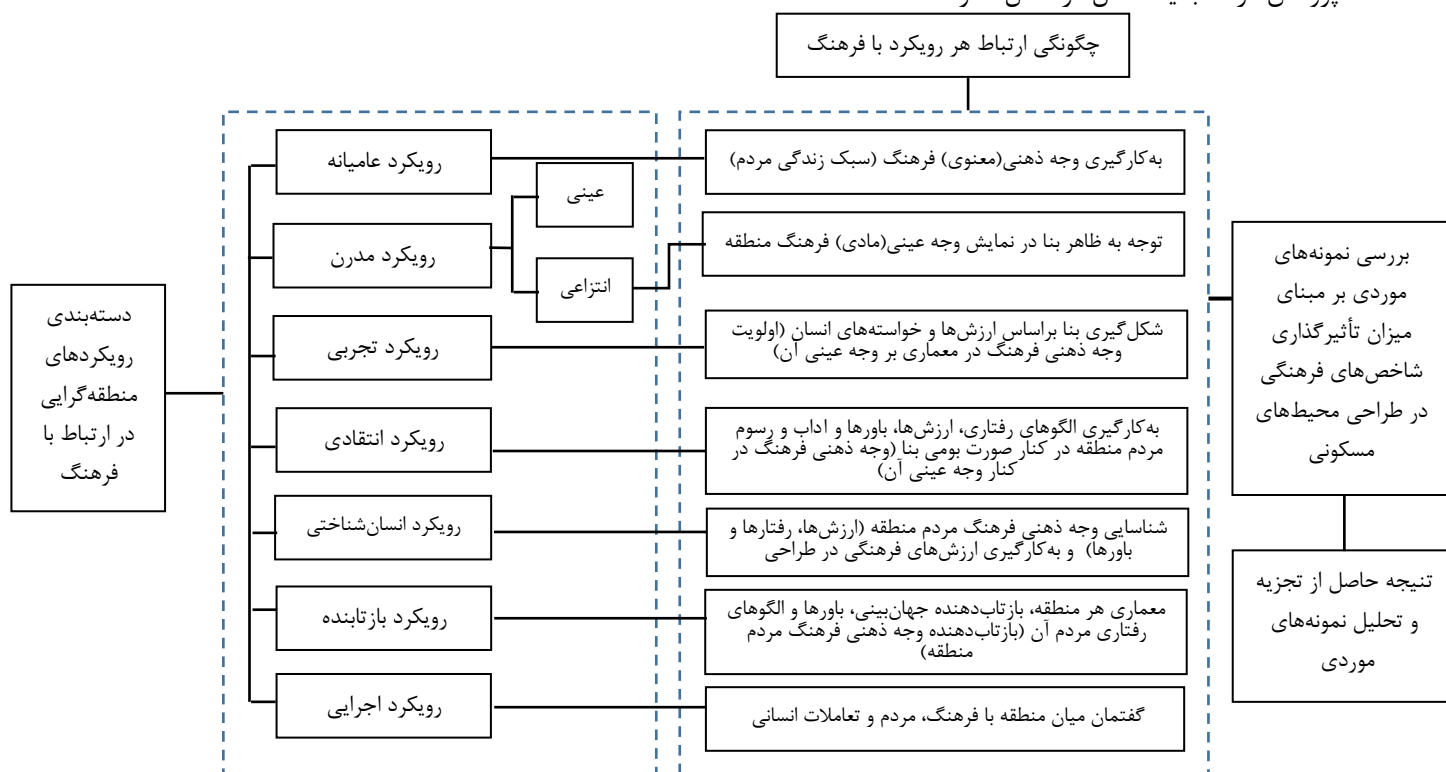
منطقه‌گرایی در معماری، در طول بازه زمانی گسترده حضور خود در این عرصه، رویکردهای متفاوتی داشته به نحوی که از رویکردهایی با برداشت‌های صرفاً کالبدی از منطقه به سمت رویکردهای نوین تغییر نگرش داده است. به عقیده فرامپتون، برداشت بعضی افراد صرفاً توجه به محیط جغرافیایی و اقلیم در معماری منطقه‌گرا می‌باشد. در حالی که این معماری بسیار فراتر از عوامل جغرافیایی عمل می‌کند. وی فرهنگ را در شکل‌گیری این معماری عاملی مؤثر تلقی می‌کند و بیان می‌دارد که معماری منطقه‌گرا باید خرده‌فرهنگ‌ها را بازخوانی و بازتاب نماید [۱۲]. از آنجایی که مردم با الگوهای رفتاری خود، ارزش‌های فرهنگی هر منطقه را بازتاب می‌نمایند، پس در شکل‌گیری این معماری نقش مؤثری را ایفا می‌کنند [۸].

پژوهش حاضر، در دو بخش نظریه و عمل تنظیم شده است. ابتدا در حوزه نظری، رویکردهای منطقه‌گرایی با توجه به نوع دیدگاه آن‌ها در رابطه با فرهنگ و مردم بررسی می‌گردد. سپس در حوزه عمل میزان کاربست اصول و شاخص‌های نظریه‌ها در

<sup>1</sup> Yoanna Friedman



طراحی محیط‌های مسکونی بررسی می‌شود. هدف کلی این پژوهش، نگاهی دوباره به معماری منطقه‌ای در نظریه و عمل از منظر فرهنگی و زندگی روزمره مردم است. همچنین بررسی میزان کاربست اصول و شاخص‌های نظری در عمل به‌عنوان هدف ویژه مطرح می‌شود. سوالی که مطرح می‌گردد این است که هر یک از رویکردهای منطقه‌گرایی به چه میزان به وجه فرهنگ پرداخته‌اند؟ و این که استفاده از اصول و شاخص‌های نظری در عمل به چه میزان می‌تواند بر موفقیت طرح و رضایت‌مندی ساکنان آن تأثیرگذار باشد؟ این پژوهش با ابتدای بر روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه داده‌های اسنادی می‌باشد. چارچوب نظری پژوهش در قالب یک مدل در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش

## ۲- منطقه و منطقه‌گرایی در معماری

منطقه در معنای لغوی آن، به معنی خط، جهت، ناحیه و بخش است و ویژگی اصلی آن مکان‌مند بودن است که به نقطه مشخصی از جغرافیا اشاره دارد. هر منطقه با شاخص‌های فرهنگی، طبیعی و مصنوع در حوزه خود مشخص می‌شود. از جمله این شاخص‌ها عبارتند از: اقلیم، عوارض زمین، محدوده‌های فرهنگی مثل روش‌های خاص زندگی، الگوی استفاده از زمین، کاربرد زبان و نحوه گفتگو و مصالح رایج مورد استفاده در ساخت‌وساز معماری [۳]. از این رو منطقه را می‌توان محدوده‌ای عنوان کرد که دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص در زمینه عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است [۴]. اما به‌طور کلی می‌توان منطقه را به‌عنوان زمینه فعالیت‌های فرهنگی معرفی نمود که از طریق آن فعالیت‌ها، معنا پیدا می‌کند [۱۴]. لویس مامفورد<sup>۲</sup> منطقه را از دو دیدگاه خرد و کلان بررسی می‌کند. منطقه از دیدگاه خرد، از کوچک‌ترین واحد اسکان انسانی، بر حسب کارکردها، فعالیت‌ها و منافع و از منظر کلان بر حسب شکل زمین، اقلیم، نباتات و حیات جانوری که باعث تمایز میان مناطق می‌شود، تقسیم‌بندی می‌شود [۱۲]. فریدمن در تعریف منطقه چهار وجه اصلی را مطرح می‌کند:

<sup>2</sup> Lewis Mumford





۱) مرزهای محیطی معلوم که حیوانات و جانوران مشخصی در آنجا حیات دارند، همچنین جغرافیا و اقلیم منطقه و انسان هایی با رسوم مشخص که ویژگی‌های محیطی خاص خود را دارند.

۲) گروهی از انسان‌ها که آداب و رسوم مشخصی دارند و از دل همان محیط طبیعی و مبتنی بر الگوهای آن باشند.

۳) اقتصاد مشخص و شیوه درآمد افراد آن منطقه

۴) فرهنگ افراد اجتماع که در اغلب اوقات در زبان، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری مشترک هستند.

از اواخر قرن هجدهم تا به امروز یکی از عمده‌ترین جهات نقد معماری مربوط به زمینه منطقه‌گرایی بوده است. در این رویکرد لازم است معماری بر پایه شیوه‌های خاص منطقه‌ای از جمله اقلیم، جغرافیا، مصالح و سنت‌های فرهنگی محلی استوار باشد و به‌طور ضمنی وجود چنین بنیانی برای توسعه یک معماری مدرن اصیل، ضروری تلقی می‌شود [۲]. منطقه‌گرایی، مفهومی جغرافیایی است که ریشه در مباحث بومی و محلی دارد و رویکردی در طراحی معماری است که در آن هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی در اولویت قرار دارد. رویکرد منطقه‌گرایی در معماری که بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد، بر طیف وسیعی از وجوه معماری تأثیر نهاده و رویکردهای متفاوتی بر جای نهاده است؛ به نحوی که از رویکردهای بومی‌گرایانه و احیاگرایانه پیشین و تأکید بر برداشته‌های کالبدی از منطقه، به سمت رویکردهای نوین و استفاده از مزایای جهانی تغییر نگرش داده است. از دیدگاه الکساندر زونیس، منطقه‌گرایی هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع (محلی) در عین سود بردن از مزایای جهانی است [۱۵].

ازسویی منطقه‌گرایی بومی‌شده نظریه پست‌مدرن است و هیچ یک از نظریات ارائه شده در این زمینه را نمی‌توان به‌عنوان یک نظریه غالب تلقی نمود. به‌این ترتیب ناهمگونی و تنوع در ذات نظریه منطقه‌گرایی وجود دارد و نه یک نظریه منطقه‌گرایی، بلکه به تعداد مناطق با توجه به شرایط تاریخی و قومیت محلی آن‌ها، نظریه وجود دارد. بنابراین، منطقه‌گرایی به‌نوعی یک فرانظریه است که صرفاً کاربرد و معنای محلی دارد. منطقه‌گرایی را می‌توان وسیله‌ای برای برطرف نمودن تنش‌های مابین جهانی‌شدن و بومی‌گرایی، مدرنیته و سنت، فرض نمود [۳]. شاخص‌های اصلی مورد توجه منطقه‌گرایی، ویژگی‌های زیست‌بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی می‌باشند. منطقه‌گرایی، یک مفهوم، استراتژی، ابزار، تکنیک، نگرش و ایدئولوژی است و علی‌رغم معانی متعددی که دارد، در مجموع، جهانی‌سازی، یکسان‌سازی و ساختارهای استاندارد شده که باعث کاهش تفاوت‌های بومی و محلی می‌شود را رد می‌کند و روش‌هایی برای زندگی با توجه به ویژگی‌های منطقه را پیشنهاد می‌کند. این نظریه، راه‌حل‌های جایگزینی را برای احیا و در صورت لزوم بازسازی معماری در امتداد معیارهای منطقه‌ای پیشنهاد می‌دهد. برخلاف معماری بومی که ناخودآگاه می‌باشد، یک معماری خودآگاه و داوطلبانه است که توسط یک متخصص (برنامه‌ریز یا معمار) شکل می‌گیرد [۳].

به‌طور خلاصه منطقه‌گرایی برای ایجاد تعادل میان جهانی‌شدن و بومی‌گرایان افراطی شکل می‌گیرد. جوهره اصلی منطقه‌گرایی مردم و مکان است، که هر یک از این دو عامل دارای عوامل فرعی نیز می‌باشند. عامل مکان شامل دو حوزه طبیعی و انسان‌ساخت است. بوم، اقلیم، جغرافیا و شرایط گیاهی و حیوانی منطقه که در تعاریف بیان‌شده به‌طور پراکنده به‌عنوان شاخص‌های منطقه‌گرایی مطرح شده است، در حوزه طبیعی مکان جای می‌گیرند و مواردی از قبیل کشاورزی و صنعت در حوزه مصنوع یا انسان‌ساخت وجه مکان قرار دارند. وجه مردم نیز دارای زیرمعیارهایی چون فرهنگ، معنا و تاریخ می‌باشد. به بیانی دیگر، منطقه‌گرایی دارای دو جنبه صوری و معنایی است. جنبه صوری آن اشاره به وجه مکان دارد و جنبه معنایی آن، به منظر انسانی می‌پردازد. بنابراین جایگاه شاخص‌هایی که به صورت پراکنده در نظریه‌های مختلف تا کنون بیان شده‌اند در این دسته‌بندی، به‌وضوح مشخص می‌گردد و عامل فرهنگ نیز که در این پژوهش به آن در رویکرد منطقه‌گرایی پرداخته می‌شود، از زیرمعیارهای وجه مردم در منطقه‌گرایی است و این دو عامل جدای از یکدیگر نیستند، بلکه فرهنگ



به نوعی از سازگاری مردم با منطقه پدید می آید. در همین راستا، جایگاه فرهنگ و مردم در رویکردهای معماری منطقه‌ای بررسی می گردد. دسته بندی نهایی وجوه، عوامل اصلی و فرعی منطقه گرایی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: وجوه و معیارهای منطقه گرایی

عامل	وجوه منطقه گرایی
اقلیم و بوم	مکان
جغرافیا	
گیاهی	
حیوانی	
کشاورزی	انسان ساخت
صنعت، خدمات، معماری و صنایع دستی	فرهنگ
آداب و رسوم و ارزشها	
تعاملات	
روش زندگی	
روشهای همسازی در تعامل با محیط	مردم
معنای یک محیط برگرفته از شیوهها و الگوهای رفتاری افراد ساکن در منطقه	
معنا و هویت	
معماری مطابق با اصول گذشته	تاریخ
-	علم و فن آوری

### ۳- جایگاه فرهنگ و مردم در رویکردهای معماری منطقه‌ای

به گفته اوزکان، یک منطقه شامل دو جنبه فرهنگ و مکان می شود. فرهنگ شامل سبک و شیوه رایج زندگی مردم و مکان شامل آب و هوا و توپوگرافی است. منطقه زمانی به درستی تعریف شده است که نشان دهنده دو مورد مذکور به طور کامل باشد [۵]. یک بنا با رویکرد منطقه گرایی باید بیان گر پیوندی فرهنگی میان گذشته، حال و آینده باشد. رسانه های جمعی، رادیو، تلویزیون و فیلمها، آگاهی از شرایط زندگی در کشورهای توسعه یافته را برای مردم به شکلی نادرست تصویر نموده اند. استفاده از فرهنگ و سبک زندگی مردم هر منطقه در طراحی، به این دلیل می تواند مفید باشد که طی قرن ها، فرهنگ هر منطقه، همراه با محیط زندگی مردم تکامل یافته و ساختار انعطاف پذیر گسترده ای به وجود آمده است. در نتیجه توجه به مفهوم فرهنگ و اجتماع ریشه عمیقی داشته است. یک طراح باید در نزدیک ترین حالت به فعالیت های یک فرد، خانواده و جامعه در روستاها و شهرها طراحی کند، تا بتواند نیازهای آنها را در هر مقیاسی برآورده نماید [۱۶].

تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه شده است. در تعریفی، فرهنگ شامل دو بخش فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی می باشد. فرهنگ مادی را همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه ها و فرآیندهای ساخت و ساز آنها می دانند و فرهنگ معنوی را شامل ارزشها، باورها، اندیشه ها، دانش و فن ها، دین، آداب و سنتها، علوم و فلسفه، ادبیات و هنر و همه فرآورده های ذهنی انسان مطرح می کنند [۱۷]. به عقیده انسان شناسان در تعریف انسان، فرهنگ باید مرکز توجه قرار گیرد. انسان از طریق فرهنگ بر طبیعت چیره می گردد و از مرحله وحشیت و بربریت به تمدن می رسد [۶]. در میان تمامی معانی که تا کنون برای فرهنگ مطرح شده است، سه تعریف مشخص را می توان مشاهده نمود؛ تعریف اول بر روش زندگی گروه های اجتماعی اشاره دارد، تعریف دوم آن را به عنوان سیستمی از نمادها، معانی و طرحواره های ذهنی که از



طریق الگوها انتقال می‌یابند معرفی می‌کند و تعریف سوم، فرهنگ را فن‌آوری‌هایی که گروه‌های انسانی برای استفاده از منابع موجود در طبیعت و محیط زیست به کار گرفته می‌شود، می‌داند. این سه دیدگاه نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. لذا محیط‌هایی که توسط فرهنگ‌ها پدید می‌آیند، براساس اصولی از قرارگاه‌ها برای مردمانی می‌باشند که، آن‌ها را متناسب برای روش زندگی ویژه خود می‌دانند و از این طریق آن‌ها را از گروه‌های اجتماعی دیگر متمایز می‌کند [۷].

انتکای مفهوم فرهنگ بر دو عامل ذهنی و عینی در تعاریف و مفاهیم ارائه شده در رویکردهای فرهنگی در معماری مشهود می‌باشد. عامل ذهنی، ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش، فن، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، ادبیات و هنر، سبک و شیوه رایج زندگی مردم، سیستمی از نمادها، معانی و همه طرح‌واره‌های ذهنی که از طریق الگوها انتقال می‌یابند را شامل می‌شود. از نظر راپاپورت (۲۰۰۵) نیز فرهنگ یک ایده، اندیشه، مفهوم ذهنی و یک ساختار نظری است و شامل تفکر انسان، اعتقاداتش، اعمال و چگونگی انجام آن‌ها می‌شود. عامل عینی نیز شامل همه آن‌چه به دست بشر ساخته شده و از طریق آن‌ها تواسطه بر طبیعت چیره گردد از جمله معماری و شیوه‌ها و فرآیندهای ساخت آن می‌گردد. درواقع فرهنگ از عناصری تشکیل شده است که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا نمود و دوباره با هم ترکیب کرد. فرهنگ‌ها با ادغام در بافت و تداوم سنت به آرامی رشد می‌کنند. فرهنگ مجموعه‌ای از حقایق و باورها، تاریخ واقعیت‌های مادی کنونی و شرایط ذهنی است. ناخودآگاه پیش می‌رود و نمی‌توان آن را از بیرون تغییر داد. از این رو یک معماری اصیل، تنها می‌تواند از الگوهای فرهنگی زاده شود، نه از ایده‌آل‌های مد روز در طراحی [۱۸].

بررسی معماری منطقه‌گرایی، در قرن بیستم، گویای وجود ناهمگونی و عدم وجود تداوم یک گفتمان نظری می‌باشد. این امر نشان‌دهنده تنوع زیاد نگرش‌های منطقه‌گرایی است [۳]. به همین جهت بررسی نظریات مختلف در این حوزه و استخراج شاخص‌های مشترک فرهنگی ضرورت می‌یابد. در ادامه انواع رویکردهای منطقه‌گرایی در معماری، در ارتباط با دو مفهوم مردم و فرهنگ بررسی می‌گردد.

### ۳-۱- منطقه‌گرایی عامیانه (مردمی)<sup>۳</sup>

رویکرد فولکلور یا عامیانه به معماری منطقه‌ای به دنبال به‌کارگیری الگوهای عملکردی مطابق با فرهنگ و رفتارهای پایدار مردم منطقه می‌باشد. از این جهت که این الگوها توانستند برای مدت طولانی توسعه و تداوم یابند و نباید در طراحی‌های جدید نادیده گرفته شوند. این رویکرد ادعا می‌کند که معماری عامیانه، منعکس‌کننده شخصیت و روح مردمی است که آن را تولید کرده‌اند. بناهای گذشته و همین‌طور امروز، محصول نیروهای فرهنگی پایدار محسوب می‌شوند [۱۹]. درواقع این رویکرد به وجه روش زندگی فرهنگ عامه به‌عنوان بخشی از عامل ذهنی فرهنگ می‌پردازد و از طریق بررسی پدیدارشناسانه سبک زندگی مردم به الگوهای رفتاری موجود در فرهنگ عامه می‌رسد.

### ۳-۲- منطقه‌گرایی تجربی<sup>۴</sup>

احساس خوشبختی و افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان، مقیاس انسانی، مناظر عالی، فرصت‌هایی برای تجمع در گروه‌های کوچک اجتماعی، تنوع بصری و توجه به خواست‌های مردم، از جمله ارزش‌هایی است که در این رویکرد مطرح می‌گردد. عوامل اجتماعی-فرهنگی به‌عنوان نیروی اولیه در ایجاد فرم در معماری منطقه‌ای و نیروهای فیزیکی به‌عنوان عوامل فرعی و تعدیل‌کننده در این رویکرد پیشنهاد می‌گردد. در این دیدگاه، فرم بناها باید بیان‌گر ارزش‌ها، ادراکات و شیوه‌های زندگی مردم منطقه باشد [۱۹]. از آنجایی که در رویکرد تجربی منطقه‌گرایی، انسان در مرکز توجه و فرهنگ نیز زیرمجموعه وجه مردم است، بنابراین جایگاه آن در رویکرد منطقه‌گرایی تجربی مشهود است. توجه به ارزش‌های انسانی و خواسته‌های او نمایان‌گر به‌کارگیری وجه ذهنی و معنوی فرهنگ می‌باشد. توجه به هر دو وجه ذهنی و عینی در این رویکرد موجب شده تا بناهای ساخته شده مطابق آن شکلی منطقه‌ای به‌خود گیرند.

<sup>3</sup> Folkloric Regionalism

<sup>4</sup> Experiential regionalism





### ۳-۳- منطقه‌گرایی مدرن<sup>۵</sup>

از مشخصه‌های اصلی معماری مدرن منطقه‌گرا، استفاده از فن‌آوری‌های ابداعی جدید و استفاده از شیوه‌هایی که بتوانند مفاهیم خاص منطقه را بازگو کنند را می‌توان ذکر نمود [۱۲]. منطقه‌گرایی مدرن شامل دو نوع عینی و انتزاعی می‌باشد. فرهنگ مردم اساساً جایی در عوامل مؤثر بر رویکرد منطقه‌گرایی مدرن عینی ندارد. اما منطقه‌گرایی مدرن انتزاعی عناصر گذشته را به‌صورتی انتزاعی در فرم بنا نمایان می‌کند. این رویکرد تلاش می‌کند تا مسائل فرهنگی را در طراحی لحاظ کند و با استفاده از عناصر طراحی، فرهنگ رایج مردم منطقه را به نمایش بگذارد [۵]. باوجود این در این رویکرد فرهنگ و مردم منطقه به شکلی نمادین و صرفاً صوری و عینی در فرم بناها ظاهر می‌گردد. این عامل ممکن است موجب عدم موفقیت طرح پس از بهره‌برداری شود.

### ۳-۴- منطقه‌گرایی انتقادی<sup>۶</sup>

رویکرد انتقادی منطقه‌گرایی، به‌عنوان یک مفهوم در معماری در اوایل ۱۹۸۰ ظهور کرد [۲۱]. منطقه‌گرایی انتقادی، تلاشی بازیابی‌کننده، خودآگاهانه و انتقادی است [۲۲]. فرامپتون معتقد است که تفسیر یک منطقه فقط به واژه‌های بومی‌گرایی و اقلیم آن، کوته‌بینی است؛ هر چند این فاکتورها، مطمئناً فاکتورهای اصلی هستند که معماری منطقه‌ای را به لحاظ بیانی و ساختاری شکل می‌دهند، اما دو عامل درونی وجود دارد که در نهایت از همه فاکتورها مهم‌ترند: فرهنگ و هویت [۱۵]. یکی از اهداف رویکرد انتقادی منطقه‌گرایی، احیاء فرهنگ مردم هر منطقه است. در این رویکرد، الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم در کنار ظاهر بومی بنا به‌کارگرفته شده‌اند. از این جهت هر دو وجه عینی (مادی) و ذهنی (معنوی) فرهنگ مورد توجه نظریه‌پردازان این حوزه بوده است. رویکرد انتقادی اصول معماری بومی را که برگرفته از عناصر ظاهری بنا می‌باشد، به‌شیوه‌ای مدرن در طراحی به‌کار می‌گیرد و در کنار آن، الگوهای رفتاری و ارزش‌های مردم معاصر (فرهنگ معاصر) را به‌عنوان فاکتورهای اصلی طراحی لحاظ می‌کند.

### ۳-۵- منطقه‌گرایی انسان‌شناختی<sup>۷</sup>

این رویکرد به‌دنبال ایجاد کیفیت زندگی در طراحی است و دارای یک چارچوب نظری و روش‌شناختی است که پیچیدگی‌های بصری معماری را با حساسیت فرهنگی و زمینه‌ای قوم‌نگاری ترکیب می‌کند. الگوهای منسجم معنا در این رویکرد، تنها با درک دیدگاه ساکنان پدیدار می‌شوند [۱۹]. این رویکرد به‌دنبال ارائه طرحی کاملاً منطبق با الگو و روش زندگی مردم و ساکنان منطقه می‌باشد. در این راستا به کمک روشی کاملاً میدانی به مطالعه الگوهای رفتاری و سبک زندگی مردم منطقه پرداخته می‌شود و از این طریق وجه ذهنی فرهنگ ساکنان منطقه شناسایی و بر مبنای آن طراحی یا به‌عبارت دیگر وجه عینی (مادی) فرهنگ شکل می‌گیرد. آنچه که در رویکرد منطقه‌گرایی انسان‌شناختی بیشتر مورد توجه است، شناسایی وجه معنوی فرهنگ مردم منطقه و به‌کارگیری ارزش‌های فرهنگی در طراحی است. طراحی مطابق این رویکرد، باید کاملاً منطبق با فرهنگ و سبک زندگی مردم هر منطقه باشد.

### ۳-۶- منطقه‌گرایی بازتابنده<sup>۸</sup>

برخی از منتقدین سعی دارند تا مفهوم منطقه را در بستر فرهنگی پیچیده‌ای بشناسند، تا از این طریق پیوندی ناگسستنی میان محصول فرآیند منطقه‌گرایی و زمینه مورد نظر ایجاد شود. این نوع نگرش به منطقه‌گرایی را، کاسیدی، منطقه‌گرایی بازتابنده می‌نامد. این رویکرد با رفتارها و فعالیت‌های فرهنگی، پیوندی عمیق دارد؛ رفتارهایی که برگرفته از عناصر فکری و اعتقادی استواری هم‌چون جهان‌بینی، ایدئولوژی، مذهب و باورهای اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری محصول معماری

<sup>5</sup> Modern regionalism

<sup>6</sup> Critical regionalism

<sup>7</sup> Anthropological Regionalism

<sup>8</sup> Reflexive Regionalism



یکپارچه و دارای ویژگی‌های بارز منطقه‌ای می‌گردد [۱۵]. منطقه‌گرایی بازتابنده، توجه را به چشم‌انداز، تاریخ و معنای آن برای مردمی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، معطوف می‌سازد. معنای یک بنا، مجموعه‌ای از شیوه‌ها و الگوهای رفتاری افرادی است که در آن ساکن هستند، و الگوهای رفتاری افراد یک خانه، از الگوهای عمومی موجود در جامعه‌ای بزرگ‌تر برگرفته شده است [۲۳]. فرهنگ مردم هر منطقه دارای یک بازتاب ذهنی می‌باشد که به عبارت دیگر نشان‌دهنده الگوهای رفتاری مردم است. درواقع وجه ذهنی فرهنگ، شکل‌دهنده اصول این نظریه می‌باشد. این اصول تأکید بر عناصر فکری، اعتقادی، جهان‌بینی، باورهای اجتماعی و الگوهای رفتاری مردم یک منطقه دارند، که همگی از عوامل شکل‌دهنده وجه معنوی فرهنگ می‌باشند.

### ۳-۷- منطقه‌گرایی اجرایی<sup>۹</sup>

باربارا آلن در نظریه‌اش بر فرهنگ، مردم و تعاملات انسانی تأکید می‌کند. به اعتقاد آلن، یک معماری منطقه‌گرای خوب، ۹۰ درصد شیوه‌های فرهنگی، و ۱۰ درصد، سبک را شامل می‌شود [۱۴]. درواقع منطقه‌گرایی اجرایی، مجموعه‌ای از گفتمان‌ها و تعاملات بین منطقه و مردم است. آلن برای فهم بیشتر موضوع، دو منطقه در آمریکا را مثال می‌زند که به لحاظ بافت، کاملاً مشابه یکدیگر بازسازی شده‌اند. اما دو قشر متفاوت در این دو منطقه ساکن هستند؛ در یک منطقه قشر ثروتمند و در منطقه دیگر طبقه کارگر سکونت دارند. در منطقه ثروتمندنشین، باوجود جمعیت زیاد آن، شهر خاموش به‌نظر می‌رسد، در تعطیلات آخر هفته، مردم خیلی آرام در فضاهای عمومی شهر حاضر می‌شوند. متقابلاً در منطقه کارگرنشین، فضاهای شهری پرشوری هم‌چون بازی کودکان سیاه‌پوست در فواره‌های آبی دیده می‌شود. چیزی که منجر به احساس فضایی متفاوت در این دو منطقه می‌شود، نوع رفتار مردم آن مناطق است که از فرهنگ آن‌ها ناشی می‌شود و معماری محله کارگرنشین مطابقت بیشتری با فرهنگ، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری ساکنان منطقه داشته است. به‌این ترتیب، طراحی تحت تأثیر رویکرد منطقه‌ای اجرایی، باید مطابق با فرهنگ و الگوهای رفتاری مردم صورت گیرد. در این رویکرد وجه ذهنی فرهنگ، رفتارها و ارزش‌های مردم عاملی تعیین‌کننده در طراحی و شکل‌گیری فضاها می‌باشد.

### ۳-۸- جمع‌بندی جایگاه فرهنگ در رویکردهای معماری منطقه‌ای

در نظریات مختلف منطقه‌گرایی، نگرشی متفاوت نسبت به دو وجه مادی و معنوی فرهنگ وجود دارد. رویکرد مدرن انتزاعی نگاهی صرفاً صوری به معماری منطقه‌گرا دارد و وجه مادی فرهنگ در این رویکرد بسیار پررنگ می‌باشد. به این معنی که در معماری‌های شکل‌گرفته مطابق آن، بنا صرفاً ظاهری تاریخی دارد و سایر ارزش‌های فرهنگی نادیده گرفته شده است. چهار رویکرد عامیانه، انسان‌شناختی، بازتابنده و اجرایی وجه معنوی فرهنگ (باورها، ارزش‌ها، جهان‌بینی و الگوهای رفتاری و سبک زندگی مردم) را عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری معماری تلقی می‌کنند. دو رویکرد انتقادی و تجربی اهمیت دو وجه مادی و معنوی فرهنگ را به یک میزان می‌دانند. بناهای ساخته‌شده به این شیوه علاوه بر ظاهری مطابق با معماری بومی، بر مبنای ارزش‌های فرهنگی مردم نیز طراحی شده‌اند.

همان‌طور که بیان شد، یکی از عوامل اساسی که در رویکردهای منطقه‌ای بررسی شده مورد توجه قرار گرفته، مجموعه‌ای از رفتارها و عادات مردم هر منطقه می‌باشد که شکل‌دهنده الگوهای رفتاری خاص آن منطقه است. از سویی دیگر، فرهنگ نیز مجموعه‌ای از رفتارها، باورها، آداب و رسوم، عادات و دانش مردم یک منطقه و نشان‌دهنده برخی ویژگی‌های عمومی بر اساس منطقه سکونت می‌باشد. با توجه به این تعریف از فرهنگ، منطقه‌گرایی در معماری باید تا حد زیادی مبتنی بر ابعاد فضایی اعمال و رفتارهای هنجاری مردم باشد که در طول سالیان دراز شکل گرفته است. به‌این ترتیب فرهنگ عاملی جدا از مردم نیست و زیرمجموعه وجه مردم در منطقه‌گرایی محسوب می‌گردد. بنابراین تحقیقات منطقه‌گرایی باید در مورد آن‌چه که مردم آن منطقه انجام می‌دهند و رفتار می‌کنند (به‌عنوان جزئی از منطقه) آغاز شود. مردم با توجه به شیوه‌ای که در زندگی روزمره با یکدیگر تعامل می‌کنند، یک فرهنگ زنده را شکل می‌دهند. منطقه‌گرایی را می‌توان به‌عنوان رابطه‌ای بین مردم و منطقه،

<sup>9</sup> Performative regionalism





عملکرد و رفتار آن‌ها در نظر گرفت. هویت انسان‌ها را می‌توان توسط اعمال و رفتار آن‌ها درک نمود و این اعمال و رفتارها تحت تأثیر منطقه و فرهنگ هستند. در نتیجه بعد معنوی فرهنگ باید به‌عنوان یک شاخص اساسی در معماری منطقه‌گرا به کار گرفته شود، و بعد مادی و صورت بنا می‌تواند مطابق با اقلیم منطقه، با فن‌آوری‌های روز به منصف ظهور برسد. خلاصه‌ای از مبانی نظری مربوط به رویکردهای منطقه‌گرایی در ارتباط با فرهنگ و مردم که از مطالعات پیرامون موضوع استخراج شده، در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

## جدول ۲: مروری بر رویکردهای منطقه‌گرایی در پیوند با فرهنگ

رویکرد منطقه‌گرایی	دیدگاه مرتبط با فرهنگ
منطقه‌گرایی عامیانه (Folkloric Regionalism)	به‌کارگیری الگوهای رفتاری مردم یک منطقه و نشأت گرفته از وجه فرهنگ معنوی منطقه [۱۹].
منطقه‌گرایی تجربی (Experiential regionalism)	اولویت عوامل اجتماعی-فرهنگی (ارزش‌ها، ادراکات و شیوه‌های زندگی مردم) به‌عنوان نیروی اولیه در ایجاد فرم در معماری منطقه‌ای و عناصر کالبدی به‌عنوان عوامل فرعی و تعدیل‌کننده [۱۹].
منطقه‌گرایی مدرن (Concrete)	تکرار عینی دستاوردهای گذشته به‌عنوان اشاره به گذشته و فقدان تأثیر فرهنگ و مردم در این رویکرد [۵].
Modern ) (regionalism (Abstract)	نمایان نمودن عناصر گذشته به صورت انتزاعی در فرم و نمایش فرهنگ مادی منطقه از طریق عناصر ظاهری در بنا [۵].
منطقه‌گرایی انتقادی (Critical regionalism)	اولویت دو عامل درونی فرهنگ و هویت به صورت آگاهانه در طراحی [۱۵].
منطقه‌گرایی انسان‌شناختی (Anthropological Regionalism)	درک الگوهای فرهنگی و قومی به‌کمک جمع‌آوری داده‌های بصری و قوم‌نگاری یک منطقه و ترکیب پیچیدگی‌های معماری با حساسیت فرهنگی و زمینه‌ای در این رویکرد [۱۹].
منطقه‌گرایی بازتابنده (Reflexive Regionalism)	معماری هر منطقه، بازتاب‌دهنده جهان‌بینی، باورها و الگوهای رفتاری مردم آن (بازتاب‌دهنده فرهنگ معنوی مردم منطقه) [۲۳].
منطقه‌گرایی اجرایی (Per formative regionalism)	گفتمان میان منطقه با فرهنگ، مردم و تعاملات انسانی [۱۴].

## ۴- فرهنگ در معماری مسکونی منطقه‌گرا

در ادامه نمونه‌هایی از پروژه‌های عملی معماران منطقه‌گرا از منظر و در ارتباط با فرهنگ بررسی و تحلیل شده است. مبنای این ارزشیابی، بررسی سهم فرهنگ به‌عنوان یکی از شاخص‌های معماری منطقه‌گرا در فرایند طراحی می‌باشد. دهکده گورنا از حسن فتحی (۱۹۵۴)، شهرک مسکونی شوشتر نو از کامران دیبا (۱۹۷۳)، مجموعه مسکونی آرانیا از بالکریشنا دوشی (۱۹۸۳)، مجتمع مسکونی دوک‌نشین پوندبری در دورچستر بریتانیا (۱۹۸۸) که توسط لئون کریر طراحی شده است و مجموعه مسکونی کوئینتا مونروی از آلخاندرو آروانا در شمال شیلی (۲۰۰۴)، از جمله نمونه‌های موردی است که در ارتباط با فرهنگ طراحی و اجرا شده‌اند و در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در تحلیل نمونه‌ها، میزان به‌کارگیری شاخص‌های استخراج شده در بخش مبانی نظری، بررسی می‌گردد و در نهایت هر پنج پروژه و تأثیرگذاری این شاخص‌ها در موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها با یکدیگر مقایسه تطبیقی می‌شوند.

### ۴-۱- مجموعه مسکونی روستای گورنا در مصر (حسن فتحی، ۱۹۵۴)<sup>۱۰</sup>

در طرح خانه‌های دهکده گورنا، طراح مجموعه (حسن فتحی) به‌دنبال راهی برای کسب نظرات زنان خانه‌دار برای رسیدن به الگوهای رفتاری آن‌ها در خانه‌ها بود. اما مشکلات فرهنگی مبنی بر عدم تمایل مردان برای مشارکت زنان موجب شد تا او به‌درستی نتواند به درکی مناسب از رفتارهای مردم منطقه برسد. عدم برقراری ارتباط مناسب وی با مردم گورنا، موجب گردید

<sup>10</sup> Hassan Fathy, Village of New Gourna, Luxor, Egypt, 1954



تا در نهایت طرح خانه‌ها مورد رضایت ساکنان قرار نگیرد [۲۰]. روش به‌کارگرفته در گورنا، در جوامع معاصر روستای مصر پاسخگو نبود. درواقع آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه روستایی در زندگی معاصر آن‌ها تحریف شده بود، و با محیطی که به آن‌ها ارائه شده بود، مطابقت نداشت و همین امر منجر به متروک شدن این مجموعه گردید. طرح دهکده گورنا، صرفاً نمایان‌گر استفاده از مصالح بومی و اجرای محلی بود. روش زندگی و فرهنگ معاصر مردم منطقه جایی در آن نداشتند. به‌طور کلی، فتحی در گورنا، سعی کرد به‌نوعی میراث فرهنگی بسازد و عدم موفقیت او در آینده، بازتاب نگرانی‌های دوشی گردید [۵]. شکل ۲ نمایش روستای گورنا در ابتدای ساخت می‌باشد، اما همچنان که در شکل ۳ مشاهده می‌گردد این روستا به جهت مسائل مذکور، متروک و خالی از سکنه شده اس



شکل ۳. عدم موفقیت فتحی در روستای گورنا، بازتاب

نگرانی‌های دوشی گردید ، منبع: [۵]



شکل ۲. روستای گورنا، منبع: [۲۴]

اصول به‌کارگرفته در طراحی توسط فتحی در دهکده گورنا با توجه به اصول استخراج شده در بخش مبانی نظری با تأکید بر معیار فرهنگ، در قالب جدول شماره ۳ مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۳: وجوه و معیارهای منطقه‌گرایی با تأکید بر معیار فرهنگ در طراحی دهکده گورنا

عوامل وجه مردم	شرح	شرح عملکرد هر شاخص در میزان موفقیت آن در اجرا
فرهنگ	آداب و رسوم و ارزش‌ها	تحریف شدن آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه روستایی گورنا در زندگی معاصر و عدم انطباق طرح با آن‌ها و درنهایت متروک شدن مجموعه
	تعاملات	عدم موفقیت طراح در به‌کارگیری مشارکت مردم در طراحی
فرهنگ	روش زندگی	تغییر روش زندگی مردم در دهکده گورنا در عصر معاصر و عدم انطباق با طرح ارائه شده
	الگوهای رفتاری مردم منطقه	تلاش طراح در جهت انجام مصاحبه با مردم منطقه، به‌ویژه زنان در راستای کشف الگوهای رفتاری و عدم موفقیت وی در این امر به دلیل فرهنگ مردم
معنا	برگرفته از الگوی رفتاری ساکنان منطقه	عدم انطباق معنای محیط ساخته‌شده در دهکده گورنا با الگوهای رفتاری معاصر ساکنان
تاریخ	معماری مطابق با اصول گذشته	اجرای باکیفیت معماری بومی در دهکده گورنا با استفاده از مصالح مدرن و ساخت نوعی میراث فرهنگی (معماری بومی از نوع محافظه‌کارانه)

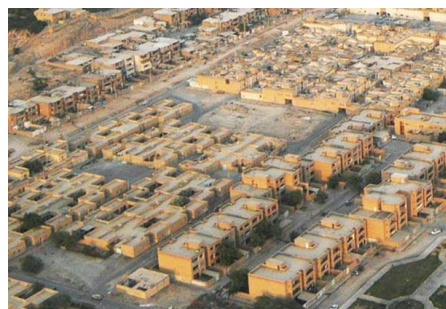
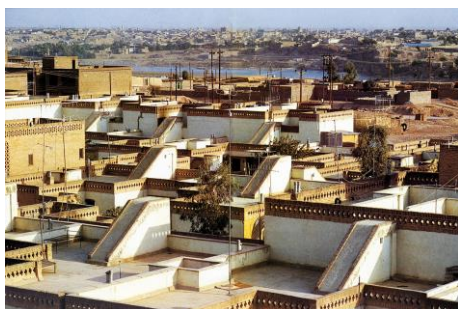






## ۴-۲- مجموعه مسکونی شوشتر نو (کامران دیبا، ۱۹۷۳)<sup>۱۱</sup>

شوشتر نو، تصویری از یک شهر ایرانی که هم کهن است و هم نوین، هم برخوردار از فرهنگ بومی و محلی و هم فرهنگ جهانی را داراست [۲۵]. طراح این مجموعه (کامران دیبا) تلاش کرده است تا راهبردهای سنتی و بومی، مبتنی بر فرهنگ مردم منطقه را در طراحی اعمال کند. طراحی این شهرک همانند سایر شهرهای سنتی ایران دارای بافتی فشرده می‌باشد. کوچه‌ها با یک عرض یکسان طراحی نشده‌اند، بلکه در بخش‌هایی از آن گشودگی‌هایی جهت تجمع و بازی کودکان شکل گرفته است. بام خانه‌ها به گونه‌ای طراحی شده تا شب‌های تابستان مطابق شیوه زندگی مردم منطقه، امکان خوابیدن در آن وجود داشته باشد و چیزی بیش از یک سرپناه در نظر گرفته شده‌اند [۲۶]. این مجموعه برای سکونت سازمانی طراحی شده بود که شامل گروهی از کارکنان سازمان و یا اداره خاصی می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، با تغییر ساختار وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، ادامه ساخت پروژه متوقف گردید و مردم روستاهای اطراف بخشی از خانه‌ها را به شکل غیرقانونی اشغال کردند. با آغاز جنگ ایران و عراق ساکنان شهرهای جنگ‌زده به ناچار در شوشتر نو ساکن شدند. در ادامه این روند، بسیاری از فضاهای ساخته شده، کارکردی متفاوت با طرح پذیرفتند. میدان محله که در طرح اولیه، فضایی دلپذیر با حوض و فواره و باغچه، با کافه‌ها و فروشگاه‌ها بوده است به ویرانه‌ای تبدیل شد. این اتفاق در بیشتر فضاهای این شهرک رخ داد که منجر به عدم انطباق طرح با روش زندگی ساکنان جدید در عمل گردید [۲۵].



شکل ۵. فضا سازی بام خانه‌ها مطابق با سبک زندگی مردم منطقه، منبع: [۲۶]

شکل ۴. فشردگی بافت شوشتر نو، منبع: [۲۶]

جدول ۴: وجوه و معیارهای منطقه‌گرایی با تأکید بر عامل فرهنگ در طراحی مجموعه شوشتر نو

عوامل وجوه مردم	شرح	شرح عملکرد هر شاخص در میزان موفقیت آن در اجرا
فرهنگ	آداب و رسوم و ارزش‌ها	به‌کارگیری سبک معماری سنتی مبتنی بر ارزش‌های اصیل ایرانی
	تعاملات	عدم توجه به احتمال تغییر قشر ساکن در مجموعه
معنا	روش زندگی	سبک زندگی لحاظ شده در طراحی مناسب اقشار کارمند سازمان‌ها و عدم انطباق آن با افراد روستایی (ساکنان جدید)
	الگوهای رفتاری مردم منطقه	طراحی مجموعه بر اساس الگوهای رفتاری مردم منطقه و قشر کارمند
تاریخ	برگرفته از الگوی رفتاری ساکنان منطقه	ایجاد معنا و حس تعلق در محیط ساخته شده با اقتباس الگوی معماری گذشته در شوشتر قدیم (فضاسازی در بام‌ها بنا بر الگوهای رفتاری مردم منطقه، بام مکانی برای خواب در شب‌های تابستان)
	معماری مطابق با اصول گذشته	به‌کارگیری اصول معماری بومی ایران در مناطق گرم و مرطوب

<sup>11</sup> Shushtar New Town residential complex (Kamran Diba, 1973)





### ۴-۳- مجموعه مسکونی آرانیا در شهر ایندور در هند (بالکریشنا دوشی، ۱۹۸۳) ۱۲

پروژه مجموعه مسکونی آرانیا، در نزدیکی شهر ایندور در هند با رویکرد رجوع به ارزش‌های تاریخی گذشته برای قشر کم‌درآمد، طراحی گردید. خانه‌ها در این شهرک، تنها جایی برای زندگی نیستند بلکه مطابق با فرهنگ و شیوه زندگی مردم هند به عنوان فضایی جهت کار و تولید محصولات مختلف نیز به کار می‌روند. در ساختار فضایی این خانه‌ها، فضایی نیمه باز در مقابل واحد مسکونی وجود دارد. در زندگی به شیوه هندی، از این فضاها برای انجام فعالیت‌های مختلف به‌ویژه تولید صنایع دستی محلی ساکنان استفاده می‌شود [۲۷]. شکل ۶ نمونه‌ای از فضاها با مقابل خانه‌های مسکونی در معماری بومی هند را نشان می‌دهد. مشارکت مردم در فرآیند ساخت مجموعه، امکان انطباق مسکن با نیازها و الگوهای رفتاری آن‌ها را افزایش می‌دهد و در نتیجه رضایت عمومی از مسکن را بالا می‌برد. [۲۷]. فشردگی طرح، استفاده از دیوارهای قطور با طاقچه و انواع عناصر میانی مثل بالکن، هم معنای نمادین و هم معنای فرهنگ مردم جامعه را در خود جای داده‌اند. در فرهنگ سنتی هند، فرد تنها نیست، بلکه بخشی از یک جامعه است. به‌عنوان مثال، چاه آب در هند، عنصری است که جامعه را به‌شدت پیوند می‌زند، زیرا اینجا جایی است که مردم هرروز با یکدیگر ملاقات می‌کنند، دوشی در طرح خود از تک‌درخت‌ها به‌عنوان عنصری جایگزین چاه آب و مکانی برای جمع شدن استفاده کرده است. [۱۶].



شکل ۷. مجموعه مسکونی آرانیا، منبع: [۲۷]

شکل ۶. فضای باز مقابل خانه در معماری بومی هند، منبع: [۲۷]

جدول ۵: وجوه و معیارهای منطقه‌گرایی با تأکید بر معیار فرهنگ در طراحی مجموعه آرانیا

عوامل وجه مردم	شرح	شرح عملکرد هر شاخص در میزان موفقیت آن در اجرا
فرهنگ	آداب و رسوم و ارزش‌ها	ایجاد مجموعه مسکونی در تداوم ارزش‌های اساسی جامعه مانند امنیت، حس تعلق و اجتماع‌پذیری شکل‌گیری خانه‌ها به‌صورت چندعملکردی مطابق رسوم گذشته و ایجاد فضایی جهت کار در تلفیق با فضای زندگی؛ ایجاد زندگی جمعی، به‌عنوان یک ارزش در فرهنگ هندی با ایجاد تک‌درخت‌هایی در فضاهای عمومی جهت فضاهای جمعی.
	تعاملات	در نظر گرفتن تعاملات اجتماعی و مشارکت در طرح مجموعه؛ شکل‌گیری گروهی از خانه‌ها به شکل محله‌هایی کوچک و مغازه‌هایی در میان آن.
روش زندگی	تلفیق فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مجموعه با اختلاط کاربری‌ها و ایجاد فضای کار درون محیط زندگی؛ در نظر گرفتن روش زندگی قشر کم‌درآمد هند در طراحی مجموعه؛	

<sup>12</sup> Aranya residential complex in Indore, India (Balkrishna Doshi, 1983)



وجود انعطاف‌پذیری و تنوع در فضاها و عملکردهای مجموعه آرانیا؛  
 در نظر گرفتن سلسله‌مراتب فضایی در خانه با ایوان، ورودی، حیاط، فضاهای  
 مجاور حیاط و فضاهای درونی مطابق با روش زندگی قشر کم‌درآمد در هند؛  
 وجود فضایی نیمه باز در مقابل واحد مسکونی جهت کار به‌ویژه تولید صنایع  
 دستی محلی ساکنان.

روش زندگی

طراحی مجموعه مطابق با الگوهای رفتاری پایدار در فرهنگ هند به‌ویژه قشر  
 کم‌درآمد؛

طراحی نقشه‌های انعطاف‌پذیر و امکان انطباق با نیازها و سلیقه شخصی  
 استفاده‌کنندگان و امکان سازگاری مجموعه با تغییر نیازهای کاربران؛  
 مشارکت مردم در فرآیند و امکان انطباق مسکن با نیازهای آن‌ها و در نتیجه  
 افزایش رضایت عمومی از مجموعه.

الگوهای رفتاری مردم

منطقه

دستیابی به یک شهرک یا زیستگاه خاص به وسیله برقراری تعامل میان محیط  
 ساخته شده و مردم.

برگرفته از

الگوی رفتاری ساکنان منطقه

معنا

ساخت مجموعه کاملاً مطابق با بافت سنتی و تاریخی هند به صورت بافتی  
 متراکم و استفاده و از عناصر سنتی معماری هند همچون طاقچه‌های با عمق  
 زیاد، بالکن‌های مشرف به فضای عمومی.

معماری مطابق با اصول گذشته

تاریخ

## ۴-۴- مجموعه مسکونی پوندبری، دورچستر، بریتانیا (لئون کریر، ۱۹۸۸)

معماری این مجموعه به‌نوعی یک معماری یادمانی محسوب می‌شود. سبک بناها کاملاً از معماری اصیل و بومی بریتانیا و مطابق با فرهنگ دوک‌نشین منطقه طراحی شده است [۲۸]. هندسه آزاد فضاهای عمومی پوندبری به‌طور طبیعی با سادگی و عملی بودن معماری بومی پیوند می‌خورد. طراح مجموعه (لئون کریر) در جهت انطباق کامل طرح با فرهنگ مردم منطقه، در ساخت آن از استادکاران محلی که آگاه به شیوه زندگی و الگوهای رفتاری مردم بودند، استفاده نمود. در فرهنگ دوک‌نشین دور از دید و دسترس بودن اهمیت زیادی دارد، به همین جهت در مجموعه پوندبری، فضاهای خصوصی با ساختمان‌ها یا دیوارهای بنایی به‌وضوح از فضای عمومی تفکیک شده است. همچنین مردم در این مناطق تمایل به نزدیکی محل کار با مکان زندگی خود دارند. از این رو، اختلاط کار، مسکونی با سایر کاربری‌ها در نظر گرفته شده است [۲۹].



شکل ۹. مجموعه پوندبری، منبع: [۲۸]



شکل ۸. سیاست به‌کارگیری استادکاران محلی، منبع: [۲۸]

<sup>13</sup> Poundbury farm, Dorchester, UK ( Leon Krier, 1988)





جدول ۶: وجوه و معیارهای منطقه‌گرایی با تأکید بر معیار فرهنگ در طراحی مجموعه پوندبری

عوامل وجه مردم	شرح	شرح عملکرد هر شاخص در میزان موفقیت آن در اجرا
فرهنگ	آداب و رسوم و ارزش‌ها	به‌کارگیری سبک معماری دوک‌نشین و ایجاد سلسله‌مراتب فضایی مطابق با آرمان‌ها و ارزش‌های قشر مرفه در بریتانیا.
	تعاملات	عدم مشارکت ساکنان در ساخت مجموعه.
	روش زندگی	انطباق طراحی با روش زندگی قشر ثروتمند.
	الگوهای رفتاری مردم منطقه	ایجاد حریم مابین فضاهای خصوصی و عمومی با استفاده از دیوارها و جداکننده‌ها، با توجه به نوع الگوهای رفتاری پایدار قشر ثروتمند.
معنا	برگرفته از الگوی رفتاری ساکنان منطقه	ایجاد معنا و حس تعلق در محیط ساخته‌شده با اقتباس الگوی معماری گذشته در بریتانیا.
	تاریخ	معماری مطابق بومی اصیل و استفاده از مصالح بومی و محلی.
		به‌کارگیری استادکاران محلی در راستای ایجاد یک معماری

#### ۴-۵- پروژه مسکن ارزان‌قیمت کوئینتا مونروی (آلخاندرو آروانا، ۲۰۰۴)

ویژگی طرح در تحویل نیم‌خانه‌هایی بود که ساکنان آن به محض داشتن امکانات با توجه به نیازهای خود اقدام به ساخت نیمه دیگر بنا می‌کردند. هدف طراح مجموعه (آلخاندرو آروانا) از این کار، انطباق هر چه بیشتر طرح با الگوهای رفتاری و شیوه زندگی مردم حاشیه‌نشین بوده است. از آنجایی که کشف سبک زندگی، آرمان‌ها، ارزش‌ها، رفتارهای پایدار و به‌طور کلی فرهنگ مردم منطقه حاشیه‌نشین در کوئینتامونروی، امری دشوار و حتی انجام‌نشده بود، ساخت نیمی از مجموعه توسط ساکنان منجر می‌شد تا انطباق هرچه بیشتر طرح با نیازها و شیوه زندگی آن‌ها در حال و به‌ویژه در آینده صورت گیرد. در این مجموعه اقتباسی از الگوهای معماری بومی منطقه انجام نشده است، اما در نظر گرفتن روش زندگی و نیازهای مردم در طراحی و ساخت آن منجر به منطقه‌ای شدن پروژه گردید [۳۰].



شکل ۱۱. نمای پروژه کوئینتا مونروی پس از تکمیل توسط ساکنان، منبع: [۳۱]



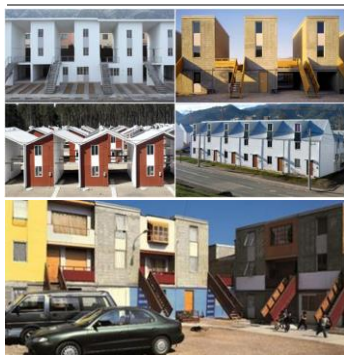
شکل ۱۰. نمای پروژه کوئینتا مونروی، منبع: [۳۱]

جدول ۷: وجوه و معیارهای منطقه‌گرایی با تأکید بر معیار فرهنگ در طراحی مجموعه کوئینتا مونروی

عوامل وجه مردم	شرح	شرح عملکرد هر شاخص در میزان موفقیت آن در اجرا
فرهنگ	آداب و رسوم و ارزش‌ها	در نظر گرفتن ارزش‌های قشر کم درآمد و حاشیه‌نشین در عین اقتصادی بودن طرح
	تعاملات	مشارکت ساکنان در ساخت نیمی از خانه و ارتقای سطح رضایت آنان

<sup>14</sup> Quinta Monroy affordable housing project (Alejandro Arvana, 2004)





روش زندگی	طراحی نیمی از مجموعه توسط ساکنان مطابق با شیوه زندگی خود
الگوهای رفتاری	طراحی مجموعه براساس مصاحبه با قشر کم درآمد و حاشیه نشین و کشف الگوهای رفتاری پایدار ساکنان منطقه
مردم منطقه	ساخت نیمی از محیط خانه توسط ساکنان و ایجاد حس تعلق بیشتر
برگرفته از	در آنها و معنا بخشی به محیط
الگوی رفتاری ساکنان منطقه	معنا
تاریخ	معماری مطابق با اصول گذشته

## ۵- جمع بندی تحلیلی نمونه های موردی

پس از بررسی پنج نمونه مسکونی طراحی و ساخته شده در ارتباط با معیارهای معماری منطقه ای، در قالب جدول شماره ۸ مقایسه ای میان هر پنج نمونه صورت می گیرد.

جدول ۸: بررسی پنج نمونه مورد مطالعه در مقایسه با یکدیگر

میزان موفقیت طرح در اجرا	معیارهای منطقه گرایی در ارتباط با فرهنگ			نمونه های مورد مطالعه
	مردم			
	تاریخ	معنا	فرهنگ	
عدم سکونت در مجموعه و متروک شدن دهکده	انطباق کامل طرح با معماری بومی و سنتی در منطقه	عدم انطباق معنای محیط ساخته شده با الگوهای رفتاری معاصر ساکنان در عصر معاصر	عدم انطباق طرح با آرمان ها، ارزش ها و روش زندگی جدید ساکنان در عصر معاصر	مجموعه مسکونی روستای گورنا، مصر (حسن فتحی، ۱۹۵۴)
به نتیجه نرسیدن اهداف طراح به جهت تغییر روش زندگی ساکنان جدید	به کارگیری اصول معماری بومی و سنتی ایران در مناطق گرم و مرطوب	ایجاد معنا در محیط ساخته شده از طریق فضاسازی هایی مطابق با الگوی رفتاری مردم در شوشتر قدیم	عدم انعطاف پذیری و انطباق طرح با سبک زندگی ساکنان جدید	مجموعه مسکونی شوشتر نو (کامران دیبا، ۱۹۷۳)
رضایت مندی ساکنان پس از سال ها زندگی در مجموعه	ساخت مجموعه کاملاً مطابق با بافت سنتی و معماری بومی هند به لحاظ عملکردی	شکل گیری معنا در محیط ساخته شده به وسیله برقراری تعامل میان محیط و مردم	ایجاد مجموعه ای در تداوم ارزش ها، آرمان ها، آداب و رسوم و روش زندگی مردم در هند	مجموعه مسکونی آرانیاء، ایندور، هند (بالکریشنا دوشی، ۱۹۸۳)
رضایت ساکنان از مجموعه	اقتباس صورت معماری بناها از الگوی معماری گذشته	به کارگیری استادکاران محلی در ایجاد معنای واقعی در محیط ساخته شده	به کارگیری سبک معماری دوک نشین مطابق با آرمان ها، ارزش ها و سبک زندگی قشر مرفه در بریتانیا	مجموعه مسکونی پوندبری، دورچستر، بریتانیا (لئون کرپر، ۱۹۸۸)
رضایت مندی ساکنان از مجموعه	-	ساخت نیمی از خانه توسط ساکنان و ایجاد حس تعلق بیشتر و معنا بخشی به محیط	در نظر گرفتن ارزش ها و روش زندگی قشر حاشیه نشین	پروژه مسکن ارزان قیمت کوئینتا مونروی، شیلی (آلخاندرو اروانا، ۲۰۰۴)

## ۶- بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش با توجه به بررسی های انجام شده پیرامون نقش فرهنگ در معماری منطقه ای، در حوزه نظریه حاکمی از آن است که رویکردهای مختلف منطقه گرایی هر یک به نحوی به وجوه عینی (مادی) و ذهنی (معنوی) فرهنگ اشاره داشته و به طور کلی سبک و شیوه زندگی و الگوهای رفتاری مردم در منطقه را به عنوان یک اصل اساسی در به کارگیری طراحی محیط معرفی می کنند. در واقع وجه ذهنی فرهنگ، مجموعه ای از رفتارها، باورها، آداب و رسوم، عادات و دانش مردم یک منطقه و نشان دهنده برخی ویژگی های عمومی بر اساس منطقه سکونت می باشد. با توجه به این تعریف از فرهنگ، منطقه گرایی در



معماری باید تا حد زیادی مبتنی بر ابعاد فضایی اعمال و رفتارهای هنجاری مردم باشد که در طول سالیان دراز شکل گرفته است. همچنین در غالب رویکردهای معماری منطقه‌ای وجه عینی فرهنگ در ظاهر بنا مورد توجه می‌باشد.

درمقابل در حوزه عمل، از آنجایی که معمارانی که در حیطه معماری منطقه‌ای طراحی نموده‌اند، کمتر در بخش نظریه صاحب نظر می‌باشند، اما آگاهانه و یا ناآگاهانه این اصل را در طراحی به کار گرفته‌اند. از بررسی نمونه‌های تطبیقی این نتیجه حاصل گردید که کسانی که وجوه مادی و معنوی فرهنگ (شیوه زندگی و الگوهای رفتاری) که در نظریه‌های منطقه‌گرایی به آن تأکید شده است در طراحی به کار گرفته‌اند، در عمل رضایت ساکنان از زندگی در مجموعه حاصل گردیده است. اما در صورت عدم توجه به این شاخص، طرح موجب عدم رضایت‌مندی و حتی در برخی موارد خالی از سکنه شدن مجموعه شده است. از این رو، به کارگیری اصول نظری رویکردهای مختلف منطقه‌گرایی توسط طراحان در عمل می‌تواند موجب انطباق هر چه بیشتر طرح با نیازهای مردم منطقه و همچنین انعطاف آن در آینده نیز گردد.

بنابراین فرهنگ مفهومی است که معمولاً اغلب محققان و طراحان منطقه‌گرا در دو حوزه نظریه و عمل بر اهمیت و تأثیر آن در محیط‌های ساخته‌شده همواره تأکید داشته‌اند. هم‌چنان که از نظر راپاپورت فرهنگ یک مفهوم ذهنی و یک ساختار نظری است، اما هیچ‌یک از نظریه‌پردازان در این حوزه، در مورد چگونگی تأثیر فرهنگ بر محیط ساخته‌شده و در عمل اظهار نظر نموده‌اند. هم‌چنان که کمتر طراحان منطقه‌گرا، آگاهانه به اصول و شاخص‌های حوزه نظریه پرداخته‌اند. آن‌چه مسلم است، هم در میان نظریه‌پردازان و هم معماران منطقه‌گرا، عامل ذهنی فرهنگ نقش بسزایی در طراحی دارد. همان‌طور که در بررسی نمونه‌های مورد مطالعه نیز مشخص گردید.

مطالعات نشان داد که مشارکت مردم در طراحی و حتی بخشی از اجرای طرح منجر به ایجاد حس تعلق بیشتر و انطباق هر چه بیشتر فضاها با نیازها و روش زندگی ساکنان شده است و به دنبال آن موفقیت پروژه تضمین می‌گردد. از این رو انعطاف‌پذیری طرح و پیش‌بینی برخی تغییرات در سبک زندگی ساکنان امری است که باید در طراحی مد نظر قرار گیرد. آن‌چه در عمل مشاهده می‌شود، در ساخت یک بنا با رویکرد منطقه‌گرایی اگرچه هر دو وجه مکان و مردم حائز اهمیت است؛ اما غفلت در عامل فرهنگ و مردم در عمل می‌تواند منجر به شکست پروژه شود.

بنا بر جدول تحلیلی-مقایسه‌ای شماره ۸ می‌توان گفت که سه زیرمعیار فرهنگ، معنا و تاریخ در وجه مردم دارای وزن‌های یکسانی در موفقیت طرح نمی‌باشند. طراحی صرفاً اقتباس شده از الگوهای تاریخی گذشته بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها، آرمان‌ها، آداب و رسوم و سبک زندگی مردم، نمی‌تواند در عمل رضایت ساکنان را برآورده نماید (عدم موفقیت طرح دهکده گورنا). همچنین در کنار همه عوامل ذکر شده انعطاف‌پذیری طرح نیز باید در انطباق طرح با تغییرات به‌وجود آمده در آینده نیز پیش‌بینی گردد (مجموعه شوشتر نو)، در غیر این صورت این امر نیز موجب نارضایتی ساکنان آن خواهد شد. بنابراین، تلاش برای کشف و درک فرهنگ مردم و ویژگی‌های خاص در هر منطقه پیش از طراحی موجب انعطاف و انطباق طرح با آرمان‌ها، ارزش‌ها، نیازها و سبک زندگی کاربران و شاخصه‌های منطقه‌ای در آینده می‌گردد.

## مراجع

- [1] Lefavre, L & Tzonis, A. (2012). Architecture of regionalism in the age of globalization, peaks and valleys in the flat world, Routledge, London.
- [۲] کوهون، آلن (۱۳۹۷). مفهوم منطقه‌گرایی. ترجمه جعفر طاهری و سارا تفاعری. فصلنامه معماری و فرهنگ، ۵۵ (۱۶)، ۱۲-۱۷.
- [3] Canizaro, V. B. (2007). Architectural Regionalism Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition. Princeton Architectural Press. New York.
- [۴] فریدمن، یوانا (۱۳۷۸). منطقه چیست؟ ترجمه محسن حبیبی. مرکز تحقیقات راه و ساختمان.
- [5] Ozkan, S. (1985). Regionalism within Modernism. published in Regionalism in Architecture, Robert Powell, editor, (Singapore: Concept Media), 8-15. Reprinted courtesy of the Aga Khan Trust for Culture and the author.
- [6] Rapoport, A. (2005). Culture, Architecture, and Design. Locke science publishing company, Inc.
- [۷] پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۴). منظر انسانی در محیط مسکونی. انتشارات آرمان شهر، تهران.



- [۸] شایان، حمیدرضا؛ عینی‌فر، علیرضا و داراب، دیبا (۱۳۸۸). مفاهیم طراحی در زمینه‌ی بیگانه تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه‌ی خلیج فارس. نشریه هنرهای زیبا، ۳۸، ۴۹-۶۰.
- [9] Alexander, C. (1964). Notes on a Synthesis of Form. Cambridge, MA: Harvard Univ. Press.
- [10] Rapoport, A. (1969). House Form and Culture. Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall Press.
- [11] Hillier, B & Hanson, J. (1984). The Social Logic of Space. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- [۱۲] بایزیدی، قادر (۱۳۹۱). جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران. رساله دکتری معماری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- [۱۳] لنگ، جان (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [14] Allen, B. L. (2005). On Performative Regionalism. (Published in Canizaro, 2007).
- [۱۵] بایزیدی، قادر؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح و مختاباد امرئی، مصطفی (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. نقش جهان-مطالعات نظری و فن‌آوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۳ (۱)، ۷-۱۸.
- [16] Doshi, B. V. (1985). Cultural Continuum and Regional Identity in Architecture. published in Regionalism in Architecture, Robert Powell, editor (Singapore: Concept Media), 87-91. Reprinted courtesy of the Aga Khan Trust for Culture and the author.
- [۱۷] آشوری، داریوش (۱۳۸۱). تعریف‌ها و مفاهیم فرهنگ. جلد دوم. انتشارات آگاه، تهران.
- [18] Pallasmaa, J. (1988). Tradition and Modernity: The Feasibility of Regional Architecture in Post- Modern Society. published in The Architectural Review, 26-34.
- [19] Pavlides, E. (1991). Four Approaches to Regionalism in Architecture. published in Critical Regionalism: The Pomona Meeting Proceedings, Spyros Amourgis, editor (Pomona: College of Environmental Design, California State Polytechnic University), 11-21.
- [۲۰] کامل‌نیا، حامد و مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۳). آشنایی با معماری معاصر از شرق تا غرب؛ بررسی مبانی، مفاهیم و ریشه‌های شکل‌گیری آن. موسسه علم معمار.
- [21] Eggner, K. L. (2002). Placing Resistance: A Critique of Critical Regionalism. Journal of Architectural Education 55, no. 4, 228-237.
- [22] Frampton, K. (1987). Ten Points on an Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic. New Regionalism, 20-27.
- [23] Cassidy, T. J. (2000). Becoming Regional over Time: Toward a Reflexive Regionalism. (Published in Canizaro, 2007).
- [24] <https://whc.unesco.org>.
- [۲۵] رضایی، طیبه (۱۳۹۱). شوستر نو. هنر معماری، شماره ۳۳، ۳۹-۲۵.
- [26] Cassidy, T. J. (2000). Becoming Regional over Time: Toward a Reflexive Regionalism. (Published in Canizaro, 2007).
- [27] Doshi, B. V. (1989). Arania community housing, Indore, India, 1989.
- [28] Krier, L (2011). The Architecture of Community. Island Press.
- [۲۹] کریر، لئون (۱۳۹۸). معماری باهمستان؛ ترجمه سه‌نند لطفی و امیر یدالله‌پور. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- [۳۰] پوراکبری، احمد و خانلو، نسیم (۱۳۹۵). تحلیل آثار مسکونی آخاندرو آروانا با محوریت مشارکت مردمی. اولین کنفرانس بین‌المللی کاربرد پژوهش و تحقیق در علوم و مهندسی. تهران.
- [31] [www.archdaily.com](http://www.archdaily.com)